

سی سال پس از پنجاه سال،

نقدی بر کتاب پس از پنجاه سال استاد سید جعفر شهیدی^۱

چکیده

این نقد، نقد نظریه ای است که در کتاب پس از پنجاه سال درباره علل قیام سیدالشهدا بیان شده است، در ابتدا به گزارشی کوتاه درباره محتوای کتاب می پردازد، که حادثه کربلا را تحت تاثیر عوامل مختلفی چون طبیعت بدوی عرب و نفاق موجود در میان مسلمانان و تغییر نگرش ها و ارزش های جامعه اسلامی و رواج اشرافی گری و ثروت اندوزی در آن می بیند. در ادامه نقد نظریه را در چهار محور نادیده گرفتن سقیفه، چشم پوشی از خطاهای فاحش خلفای ثلاث و نادیده گرفتن تزویر شورای عمر و بی توجهی به ابعاد فراتاریخی واقعه کربلا به نقد می نشیند.

کلمات کلیدی:

پس از پنجاه سال، عاشورا، کربلا، عاشورا پژوهی، چرایی واقعه کربلا

زندگینامه مولف کتاب مرحوم سید جعفر شهیدی

سید جعفر شهیدی فرزند سید محمد سجادی که از دانشمندان و مفاخر بزرگ ادبی ایران به شمار می رفت، در سال ۱۲۹۷ هجری خورشیدی در شهرستان بروجرد به دنیا آمد. وی دوران تحصیل ابتدایی و اندکی از متوسطه را در بروجرد و سپس ادامه آن را در تهران به انجام رساند. شهیدی ابتدا به نام سجادی معروف بود که بعدها تغییر شهرت داده و با نام شهیدی در مراکز علمی و دانشگاهی شهرت پیدا کرد.

در سال ۱۳۲۰ برای تحصیل علوم دینی و فقه و اصول راهی نجف شد و تحصیلات حوزوی اش را در شهر نجف که شهر علم نام داشت، تا حد رسیدن به درجه اجتهاد که درجه بسیار بالایی در حوزه علمیه محسوب می شود، بالا برد. وی پس از آن چند سالی را در عوالم طلبگی در قم سپری و از محضر آیت الله بروجردی و بسیاری از مراجع و بزرگان دینی استفاده کرد، اما بعد از هشت سال، بیماری او را

۱. محمد سعید نجاتی، دانش آموخته سطح ۴ (دکتری) حوزه، عضو گروه تاریخ و سیره پژوهشکده حج و زیارت @gmail.com ۱۳ nejati

به ایران بازگرداند. هر هفته باید خود را به پزشک نشان می‌داد و در نتیجه از رفتن به حوزه باز می‌ماند. برای گذران زندگی و به منظور ترجمه متون عربی، نزد دکتر سنجابی (وزیر فرهنگ وقت) می‌رفت اما به او اشتغال به تدریس پیشنهاد شد. سپس در دبیرستان ابومسلم مشغول به تدریس شد و با توجه به اهمیت مدرک تحصیلی در میزان حقوق بدون شرکت در کلاس‌ها، لیسانس الهیات را با بهترین نمره‌ها می‌گیرد.

برخورد با محمد معین، باب آشنایی وی را به حضور علی‌اکبر دهخدا فراهم کرد و بعد از تشکیل سازمان لغت‌نامه دهخدا، معاونت سازمان را به عهده گرفت. سپس علامه دهخدا از سیدجعفر شهیدی دعوت به همکاری کرد و در نامه‌ای به دکتر آذر (وزیر فرهنگ وقت) نوشت: «او اگر نه در نوع خود بی‌نظیر، ولی کم‌نظیر است.» دهخدا در این نامه می‌خواهد که به جای ۲۲ ساعت، به او شش ساعت تدریس اختصاص دهند تا بقیه وقتش را در لغت‌نامه دهخدا بگذراند. مدتی این‌گونه می‌گذرد، تا سال ۱۳۴۰ که با مدرک دکتری به دانشگاه منتقل می‌شود. تدریس در دانشگاه تا حدود سال ۱۳۴۵ ادامه پیدا می‌کند، اما بعد با ناامنی دانشگاه، دانشجویان خود را به لغت‌نامه می‌برد. پس از سال‌ها نیز، تا پایان عمر وی هنوز دانشجویانش چهارشنبه‌ها به لغت‌نامه می‌رفتند و با شهیدی جلساتی را داشتند. بعد از مرگ محمد معین، شهیدی مسؤولیت اداره سازمان لغت‌نامه دهخدا را بر عهده گرفت. او در زمینه‌های ادبیات عرب و فارسی استادی بنام بود و درک محضر و همنشینی با استادانی نظیر بدیع‌الزمان فروزانفر، دهخدا، جلال‌الدین همائی و محمد معین اعتبار علمی و معنوی او را دو چندان کرد.

وی در ساعت ۱۱ صبح یکشنبه ۲۳ دی ۱۳۸۶ در اثر ناراحتی ریوی درگذشت. پس از درگذشت وی منزل مسکونی‌اش تبدیل به موزه استاد جعفر شهیدی شد.

سمت‌ها

- معاون مؤسسه لغت‌نامه دهخدا ۱۳۴۲
- رئیس مؤسسه لغت‌نامه دهخدا
- رئیس مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی ۱۳۶۸
- همکاری با دکتر محمد معین در تهیه فرهنگ فارسی معین

کتاب‌شناسی

تألیف‌ها

- مهدویت در اسلام ۱۳۲۴
- جانیات تاریخ، جلد اول و دوم، تهران، شهریور ۱۳۲۷
- جانیات تاریخ، جلد سوم، دفتر نامه فروغ علم، تهران ۱۳۲۹
- چراغ روشن در دنیای تاریک (یا زندگانی امام سجاد) تهران، کتابفروشی و چاپخانه محمد حسن علمی ۱۳۳۵
- در راه خانه خدا، دانش نو، تهران ۱۳۵۶
- پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام امام حسین، چاپ اول، امیر کبیر ۱۳۵۸، چاپ شانزدهم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۲
- شرح لغات و مشکلات دیوان انوری، چاپ اول انجمن آثار ملی ۱۳۵۸، چاپ دوم انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۴
- تاریخ تحلیلی اسلام، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۲
- زندگانی حضرت فاطمه، چاپ اول تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۰، چاپ هجدهم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۳
- آشنایی با زندگانی امام صادق، جامعه الامام الصادق، تهران ۱۳۶۲
- زندگانی علی بن الحسین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۵، چاپ پنجم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۲
- ستایش و سوگ امام هشتم در شعر فارسی ۱۳۶۵
- عرشیان، نشر مشعر، قم ۱۳۷۱
- شرح مثنوی شریف، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، جلد چهارم (دنباله کار ۳ جلد مرحوم فروزانفر) و جزء ۵ و ۶ (دفتر دوم)، شرح مثنوی دفتر سوم

• از دیروز تا امروز، مجموعه مقاله‌ها، به کوشش هرمز ریاحی و شکوفه شهیدی، تهران، انتشارات قطره ۱۳۷۳

• علی از زبان علی، شرح زندگانی امیر مؤمنان، تهران، دفتر نشر ۱۳۷۶

• شرح مثنوی دفتر چهارم، پنجم و ششم؛ ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰

ترجمه‌ها

• ترجمه نهج البلاغه

• براهین العجم

• علی بلسان علی (ع)

• ثوره الحسین (ع)

• حیات فاطمه (س)

• حیاة الامام الصادق جعفر بن محمد (ع)^۲

این مقاله حدود سی سال پس از نگارش کتاب استاد جعفر شهیدی که به تحلیل واقعه کربلا پرداخته نوشته شده است و از آنجا که استاد شهیدی به تناسب رخداد واقعه عاشورا پنجاه سال پس از رحلت پیامبر این نام را برای کتابش برگزید، به تناسب این نام نویسنده مقاله نیز سی سال پس از پنجاه سال را انتخاب کرد.

این کتاب با عنوان: «پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین علیه السلام»، برای اولین بار در بهمن ۱۳۵۹ در دفتر نشر فرهنگ اسلامی به چاپ اول رسید. این اثر دارای قلمی بسیار روان و صمیمی و بدور از تصنع تاریخی است و با بی‌پیرایگی و تصنع خود، مخاطب را ناخود آگاه با خود همراه می‌کند. خوانندگان در این اثر علاوه بر اینکه تحلیل حادثه کربلا را می‌یابند خلاصه‌ای متقن و مستند را نیز از نهضت حسینی می‌توانند بخوانند. این کتاب از جمله کتاب‌های مطرح در تحلیل واقعه عاشورا است که به رخدادی که در سال ۶۱ هجری و درست پنجاه سال پس از وفات پیامبر در سال ۱۱ هجری اتفاق افتاد، می‌پردازد. و به همین مناسبت این نام را گرفته است.

^۲ ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد

معرف کتاب و چکیده ای از مطالب آن

شهیدی انگیزه خود از نگارش این کتاب را یافتن دلیل رخ داد حادثه کربلا با پژوهشی همه جانبه و بی طرفانه که در محدوده همه روایات و داستان‌های ضد و نقیض و با توجه به شرایط اقلیمی و دینی و اقتصادی و اجتماعی و با نادیده انگاشتن دین و معتقدات خود نویسنده، دانسته است. او در فصل‌های یک تا دوازده، میان جامعه عصر نبوی و جامعه سال ۶۱ هجری در شاخصه‌های مهم ارزش‌های اجتماعی و باورهای مردم مقایسه‌ای ارائه داده و در نیمه دوم کتاب که شامل فصل‌های ۱۴ تا ۲۹ است، با مرور وقایع این قیام بطور مختصر و به همراه تحلیلی متقن و کوتاه حقیقت نظریه‌ای را که در نیمه اول ارائه کرده را به آزمون گذاشته است.

فصل دوازده خلاصه‌ای از فصول قبلی فصل سی ام به نتیجه‌گیری نظریه پنهان این نوشته و تحقق سنت الهی در این حادثه پرداخته است. این سی فصل در ۱۹۶ صفحه گرد آمده که هر کدام با جمله‌ای از قرآن مجید یا روایات مرتبط با موضوع آن آغاز می‌شود که بیشتر به شروع فصل‌های یک رمان شباهت دارد، در پایان کتاب فهرست‌های متعددی شامل فهرست مآخذ، فهرست مطالب، فهرست اعلام و اشخاص، فهرست اماکن، فهرست قبائل و مذاهب و فهرست کتب آمده است.

شهیدی تحلیل چرایی واقعه عاشورا بر اساس تغییراتی که در دوره سی ساله خلافت عثمان تا پایان حکومت معاویه رخداد را ناکافی و ناقص می‌داند و اینکه تنها پدید آمدن بدعت‌هایی در دین بخصوص در دوران معاویه و تبدیل ارزش‌ها را ریشه این حادثه بدانیم سطحی می‌شمارد. وی با طرح این مسأله که چه عاملی باعث این بی‌تفاوتی دوسکوت مردم و مسلمانان جامعه اسلامی شد؟ و اینکه مسلمانانی که در میان آنان هنوز تابعیان و صحابیان متعددی زندگی می‌کردند و جامعه پس از پیامبر صل الله علیه و آله دچار چه دگرگونی‌هایی شده بود به ارائه تحلیلی از افراد جامعه عصر نبوی و توجه دادن به وجود منافقانی که به ظاهر اسلام آورده اند می‌پردازد و عامل پرنفوز عشیره و نژاد پرستی عربی و در نهایت رضایت دادن به تبدیل خلافت اسلامی به سلطنت موروثی، را از مهمترین این عوامل می‌داند.

قسمت اول

نویسنده با گزارش وضعیت جغرافیایی و طبیعی عربستان و روحیه صحرائشینی چادرنشینان عرب که بر پایه جوانمردی و فداکاری، خشونت و کینه توزی، وفاداری به نژاد و قبیله استوار است، چالش شدید این روحیه در دوران حضرت امیر و جنگ‌های ایشان را که به ظاهر جنگ مسلمان عرب با مسلمان عرب دیگر است، به تصویر می‌کشد و در بیان تغییر و تحول در روحیه یاران قرشی پیامبر پس از ایشان مصادیقی را چون سخن عمر برای اختصاص یافتن حکومت به قریش، نظام پرداخت طبقاتی عمر با ترجیح قریش، رفع قصاص از یک

فرزند عثمان برای قتل غیر عرب (قتل هرمان و جفینه)، مهاجرت یاران قرشی پیامبر به خارج مکه و مدینه و شروع تجارت و ثروت اندوزی آنان، می شمارد. ایشان در تحلیلی جالب و ابتکاری برای بررسی رشد اشرافی گری و ثروت اندوزی در آن زمان، تخمین مجموع ثروت جامعه اسلامی در زمان پیامبراکرم را چهل هزار دینار نقل می کند که پس از فتوحات و دوره عثمان، یاران آن حضرت به آنچنان به ثروت اندوزی روی آوردند که هرکدام ارثیه های کلانی را برجای گذاشتند، از جمله زبیر به تنهایی چهل میلیون دینار و طلحه سی ملیون و ... شهیدی برای نشان دادن سرایت تحول روحی خواص جامعه به عامه مردم، از تن آسایی و سکوت در برابر ظلم و بدعت، محدود دانسته شدن دین به احکام فرعی و تشریفات ظاهری، پذیرش اجتماعی بدعتی مانند ملحق کردن ولد الزنا به زانی در مورد زیاد، مثال می زند و پدید آمدن تاویل گری قرآن براساس سلايق و فهم های مختلف و تبدیل شدن ایمان بی پیرایه صدر اسلام به ایمان گرفتار شبهه ها و تاویل های نادرست مانند خوارج و مانند بحث های قضا و قدر و جبر و اختیار که مورد سوء استفاده بنی امیه واقع می شد را یکی از آسیب های صحابیان تغییر کرد می داند، وی دسته بندی قبیله ای میان مضریان و یمانیان در زمان عثمان و بنی امیه و تبدیل شدن جنگ های زمان امام علی(ع) - که میان مسلمان با مسلمان بود، به جنگ های ایام عرب را یادآور می شود که سنت خونخواهی جاهلی را زنده کرد. او تبلور این تغییر روحیه را در واکنش سرزمین های اسلامی به قیام امام حسین(ع) می بیند که شام تحت تاثیر تبلیغات طولانی مدت بنی امیه کاملاً طرفدار امویان و بدبین به امام بود و مکه و مدینه نسبت به قیام حسین عکس العمل قابل توجهی از خود نشان ندادند و تنها عراق آن هم کوفه بود که به پا خاست. در کوفه نیز هرچند گروهی از مردم عراق به خاطر عرق دینی و حمیت اسلامی طالب برگشت حکومت عادلانه و تجدید سنت عصر نبوی بودند ولی سران قبیله و اشراف که سر رشته کارها بدستشان بود این قدر حسن نیت نداشتند. البته در میان توده اهل عراق انگیزه رقابت و پیروزی بر شام و کینه آنان انگیزه قویی بود بدون محاسبه واکنش شام و گرفتار تلون و تصمیم های آنی کوفیان به گونه ای که با اولین اقدام شام یعنی فرستادن عبید الله بن زیاد جهت خود را تغییر دادند و اطاعت یزید را بر اطاعت پسر پیامبر مقدم شمردند.

نویسنده با تأکید که نمی خواهد با نقد حدیث «الائم من قریش» احساسات گروهی از مسلمانان را جریحه دار کند می گوید: «ابوبکر تغییری در سیرت پیامبر نداد»، عمر با درایت و سختگیری چندان که توانست کوشید که عدالت را اجرا کند، عثمان خواست تا سیره پیشینیان خود را اجرا کند اما نتوانست»

قسمت دوم

نویسنده در نیمه دوم کتاب هماهنگ با سیر حادثه های واقعه کربلا به تحلیل این رخداد می نشیند، با توجه به اینکه بسیاری از مطالب تکراری است و در این نقد، تصمیم اصلی بر نقد نظریه کتاب است از پرداختن به جزئیات این فصل خودداری کرده و تنها برخی از نکات جالب از تحلیل های استاد شهیدی بازگو می شوند. از نکات نادر و کم شنیده این قسمت که البته قابل نقد است، ناکارآزموده دانستن مسلم بن عقیل ۲۸ ساله در عین، لیاقت ها و توانایی ها و پاکی و تقوای اوست که سابقه خیانت کوفیان به امام علی و امام حسن را ندارد و در آن زمان کودکی هشت ساله بود.

استاد شهیدی درباره، آگاهی امام از سر انجام نهضت، می گوید:

«امام از مشکلاتی را که در راه بود می دید، مشکل شکست و بالاتر از آن خطر مرگ. او بهتر از هرکسی این مشکلات را می دید. هیچ نیازی نیست که بگوئیم جبرئیل از جانب خدا به پیغمبر خبر داد که پسر دختر او در کربلا کشته خواهد شد. هیچ نیازی نیست که به دست و پا بیافتیم و با توجیه های درست و نادرست کلمات منسوب به امام را که در آن از کشته شدن خود خبر داده تأویل یا رد کنیم. تیز بینی او در نگرش پایان کار و تجزیه و تحلیل حوادث از برادرش محمد حنفیه و پسر عباس و فرزاد شاعر و عبدالله مطیع که در مدینه و مکه و راه حجاز و عراق او از مردم کوفه بیم دادند کمتر نبود. او می دانست پایان کار چه خواهد بود. آن قطعه های کوتاه تک بیت ها و جمله های فشرده که گاهگاه بر زبان می آورد و هریک چون گوهری بر تارک آزادگی می درخشد نشاندهنده این آگاهی است او مثل اینکه پیمان شکنی مردم کوفه را به چشم می دید که می گفت: «مردم برده دنیايند و دين را تا آنجا می خواهند که کاردنيا را با آن سر و صورتی دهند و چون روز امتحان پيش آدين داران اندک خواهند بود. آنروز هم که مردم مدینه علی را به خلافت برگزیدند وی بهتر از هرکسی می دانست چه مشکلاتی پیش رو دارد می دانست که چه اندازه دشوار است اجتماعی را که سراسر دچار نابسامانی است سامان دهد اما او مسلمانی واقعی بود که هیچگاه برای آسایش خود صلاح مسلمانان را نادیده نمی گرفت چون دید مهاجر و انصار بر او گرد شدد و با بیعت کردند زمامداری را پذیرفت حسین نیز فرزند علی بود. او هرگز نمی توانست مردمی را که نیازمند رهبری او هستند، رها کند از ترس اینکه مبادا کشته شود و قیامش به نتیجه نرسد. او سیاست پیشه ای نبود که برای بدست گرفتن حکومت برخاسته باشد او مسلمان بود. مسلمانی غمخوار مسلمانان. کاری کرد که از مسلمانی آزاده چون او انتظار می رفت باید دعوت این مردم را بپذیرد. نزد آنان برود و بر آنهاست که به حکم این پیمان که با او می بندند تا پایان کار درکنار وی بایستند. این مردم که با نامه های بسیار برای وی

فرستاده بودند حجت را بر وی تمام کرده بودند. اگر امروز وفردا می کرد اگر از مرگ میترسید و دست یزید و کار گزاران او را در آزار مردم باز می گذاشت نزد خدا چه جوابی داشت.»

وی در تشریح دلایل حرکت و شتاب امام به سوی کوفه و تلاش برای تشکیل حکومت را امور زیر می داند:

- نداشتن هیچگونه تعهد شرعی یا اخلاقی در مقابل یزید
 - شایسته تر دانستن خود برای خلافت از یزید و دیگر مدعیان خلافت
 - غاصب حق دانستن یزید بی لیاقت
 - اینکه تسلط یزید بر مسلمانان یک منکر روشن است.
 - وظیفه اصلاح و زدودن بدعت و نابود ساختن منکر.
 - وجود قدرت قیام برای نهی منکر.
 - مفسده باقیماندن در مکه که هم باشکسته گردیدن حرمت خانه امن الهی و هدر رفتن خون او.
- شهیدی اینکه امام هنگام برخورد با حر امکان برگشتن داشته را انکار می کند و بعید می داند که محمد بن اشعث و عمر سعد وصیت مسلم را اجرا کرده باشند یا عبید الله اجازه اینکار را به آنها داده باشد و امام پیش از رسیدن به نزدیک کوفه از شهادت مسلم خیر شده باشد.
- وی اشاره به اختلاف شدید منابع از ملاقات باحر تا پایان واقعه کربلا، بیان می کند که دوران تدوین منابع حدیثی و تاریخ پس از چیره شدن دستگاه تبلیغاتی اموی و سپس دستگاه عباسی بود که خود دو دوره دارد و این منابع تحت تأثیر این حکومت ها شکل گرفت. در دوره اموی به مدت نیم قرن دستگاه تبلیغاتی اموی سعی می کرد تا گزارشات حوادث را به نفع امویان دگرگون کند و تا جاییکه ممکن است چهره امویان را از جنایات تنزیه کنند به همین دلیل این گزارشات بسیار مختصر بدون ذکر جزئیات است و در دوره اول عباسی برای جلب حمایت شیعیان و انگیزاندنشان، علیه امویان سعی می کردند تا چهره رقیب را تا حد ممکن زشت تر نشان دهند. و از این روایات به عنوان سلاحی برنده برای بر انداختن دشمنان بنی العباس استفاده شده به همین دلیل این روایات کوفی در برخی موارد بسیار مفصل است.
- اما در مرحله دوم حکومت عباسی که دشمنی آنان با آل علی آغاز شد و روایات مجعول هنوز ابزار مهم تبلیغاتی بود، بسیاری از روایات را به نفع خود تغییر دادند.
- وی در وجه تسمیه کربلا، این احتمال را تقویت می کند که کربلا از دو کلمه آرامی: «کرب+ال» مزرعه + خدا گرفته شده و با ذکر احتمال مختلف در شمار جنگجویان عمر سعد تعداد واقعی را بین شش تا هشت هزار نفر تخمین می زند.

او با مقایسه عمر سعد و پدرش، این جمله که پدر درنبرد قادسیه گفت و یسر در کربلا: «یا خیل الله اربکی و ابشری» را نمونه ای آن برای انحطاط جامعه در این برهه زمانی می بیند و برای تحلیل بی رحمی شدید یزیدیان در واقعه کربلا لشکر یزید را دو دسته می کند: بیشتر مردم و عمر سعد که قصد جنگ نداشتند و عده ای دیگر چون شمر و شیب بن ربیع که می خواستند کار به هر صورت ممکن زشت تر و زودتر پایان پذیرد و اینان در جنایت های یزیدیان پیشگام بودند و راه را برای دیگران می گشودند. و آنان را دریده تر می کردند.

او مردمان درگیر در معرکه کربلا را یامسلمانان واقعی و پاکبازان شهید یامسلمانان ظاهری و کوفیان شیعی می داند و ریشخند شدگان تاریخ را آنها می شمارد که بدون یاری کردن بر حسین گریه می کردند. وی به هنگام حکایت ورود کاروان اسرا به کوفه و خطبه ام کلثوم و حضور زینب در مجلس عبید الله به بررسی میزان آشنایی دمشق با اسلام و اهل بیت و ورود کاروان اسرا به شام و خطبه زینب در مجلس یزید و تاثیر آن بر مردم دمشق می پردازد و در نهایت پیاده شدن سنت الهی مکافات ظالمان در مورد امام حسین و چگونگی تحقق نفرین امام حسین علیه السلام در مورد کوفیان را مرور می کند و مسلط شدن دوباره حجاج در سال ۷۵ را سزای جفای کوفیان و ناسپاسیشان به نعمت هدایت مصلحت جویان و خیرخواهان می داند.

نقدها

در آغاز باید اعتراف کرد که ارزیابی نوشته دانشمندی توانا چون مرحوم استاد شهیدی، بسیار فراتر از قابلیت این قلم و آنچه در اینجا به قلم می آید بهانه ای است برای یادآوری دوباره اثر ارزشمند مرحوم شهیدی و اشاره به ابعاد کمتر گفته شده حادثه کربلا و عرض نوکری به ساحت حضرت دوست. بیشتر یادآور می شود که در این نوشته بدون در نظر گرفتن جزئیات و اظهارنظرهای موردی نویسنده دانشمند کتاب پس از پنجاه سال، به نقد نظریه در حد توان ناچیز خود می پردازیم و مقام علمی استاد شهیدی را می ستاییم

دوباره نظریه در کلیات ماهم کاملاً با مرحوم شهیدی همداستانیم که ریشه حادثه کربلا را باید در تغییرات جامعه نبوی طی این پنجاه سال جست. ولی به نظر بنده باید به شاخص های این تغییرات، برخی شاخص های جدید را افزود. از مهمترین این شاخص ها می توان به حوادث مهم دوره خلفای نخستین به عنوان محوری ترین و زیربنای رخداد عاشورا البته با حفظ بی طرفی و دوری از تعصب و تکیه بر داده های تاریخی و نه جهت گیری های کلامی اشاره کرد، تحلیل این حوادث کلیدی برای تغییراتی است که خواسته یا ناخواسته جامعه اسلامی را به سمت واقعه عاشورا کشاند، تغییراتی که سیاست های خطای خلفای نخست را فارغ از داوری برای انگیزه های باطنی آن به دنبال داشت، از نقدهای مهمی که در این راستا بر این نوشته مطرح است:

نادیده گرفتن بیعت غدیر به عنوان مهمترین انحراف چند لایه و راهبردی در تاریخ

به نظر می رسد با ارزیابی حوادث مختلف این پنجاه سال می توان با قاطعیت گفت: هیچ حادثه ای به سان ماجرای سقیفه که خود منشا تحولات بسیاری بود، تاثیرات عمیق و چند لایه ای را بر جامعه اسلامی نگذاشت. این در حالی است که دکتر شهیدی به طور گذرا از این ماجرا گذشته شاید احتیاط برای جریحه دار نکردن احساسات مسلمانان دیگر دلیل این کار وی باشد اما باید گفت مساله سقیفه جدای از تعصبات مذهبی یک واقعیت و حادثه بزرگ تاریخی در تاریخ اسلام بود که تغییرات وسیع فرهنگی مذهبی - اجتماعی را در جامعه اسلامی پدید آورد و با هیچ توجیهی نمی توان آن را نادیده انگاشت. نادیده گرفتن بیعت عمومی و علنی غدیر - با آن وسعت و اهمیت تاریخی و نزدیکی آن هم به فاصله تنها دوماه از رحلت پیامبر اسلام که به معنای نادیده گرفتن سفارش های اکید ایشان در مورد جانشینش علی علیه السلام بود. - هیچگاه عجیب تر از قتل نواده پیامبر صلی الله علیه و آله پس از پنجاه سال از رحلتش نیست. بلکه راهی برای توجیه این جنایت پس از پنجاه سال به جز این حلقه اتصال یا جهش نزولی امت اسلامی باقی نمی ماند. حادثه ای که به مناسبتش قرآن نازل شده، سه روز بیعت رسمی از مردان و زنان در آن به طول انجامیده و هزاران نفر شاهدان آن بوده اند.^۳

چشم پوشی خطاهای فاحش خلفای ثلاث

نویسنده گویی برای بدست آوردن دل گروهی از مسلمانان، می گوید: «ابوبکر تغییری در سیرت پیامبر نداد، عمر با درایت و سختگیری چندان که توانست کوشید که عدالت را اجرا کند، عثمان خواست تا سیره پیشینیان خود را اجرا کند اما نتوانست»

اما ضمن حرمت نهادن به این خلفا و احترام به احساسات بسیاری از مسلمانان درباره آنان باید گفت که در بهترین صورت و با خوشبینی تمام خطای این بزرگان تاریخ در اجتهادات خود در برابر سنت رسول خدا(ص) ریشه انحرافات بزرگی برای جامعه شد. در ادامه به برخی از این خطاها که رابطه نزدیکی با جنایت های عاشورا دارد، اشاره می کنیم:

^۳ بنگرید أحمد بن یحیی بن جابر البلاذری (م ۲۷۹)، کتاب جمل من انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ط الأولى، ۱۹۹۶/۱۴۱۷. ج ۲، ص: ۱۰۸- أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی (م ۷۷۴)، البداية و النهایة، بیروت، دار الفکر، ۱۹۸۶/۱۴۰۷. ج ۷، ص: ۳۴۹
احمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح الکاتب العباسی المعروف بال یعقوبی (م بعد ۲۹۲)، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر بی تا، ج ۲، ص: ۱۱۲
شیخ مفید، الإرشاد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، ۱۴۱۳ هجری قمری ج : ۱ ص : ۱۷۵
امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری، دار الکتب الإسلامیة تهران ص : ۱۶۵

۱. نفی قدرت و نظام سیاسی اهل بیت پیامبر(ص) با خانه نشین کردن آنان و در اختیار گرفتن جایگاه سیاسی و منبع مالی آنان، فدک و درخواست شاهد برای مالکیت مالی که در اختیارشان بود.^۴
 ۲. تضعیف جایگاه و شأن اجتماعی و قداست پیامبر اسلام و اهل بیت پیامبر صل الله علیه و آله با حرمت شکنی آنان و هتک حرمت جایگاه فاطمه زهرا با هجوم به خانه آن حضرت و اهانت علنی به آنان شکستن حرمت فاطمه زهرا سلام الله علیها
- اینان پسران همان پدرانی هستند که فریاد دادخواهی فاطمه پاره تن رسول خدا را در مسجد پیامبر صل الله علیه و آله شنیدند که می گفت:
- « شما ای مسلمانان! آیا رواست که میراث پدرم به زور از من ستانده شود؟ آه! دردا! ای گروه مهاجر! چقدر عجیب و در عین حال سخیف است که ارث پدرم مورد دستبرد و تجاوز قرار گیرد و من از آن محروم بمانم؟ ای جوانان و ای بازوان توانمند ملت و یاران اسلام، این سهل انگاری شما در ستاندن حق من از چیست؟ این چه سستی است که در برابر ستمی که بر من شده، روا می دارید؟ آیا پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نمی فرمود: «بزرگداشت مرد را در باره فرزندان هم باید پاس داشت»؟ چه زود اوضاع را واژگون نمودید و به بیراهه گام نهادید، با اینکه توانایی بر احقاق حقوق مرا در بازو و عده کافی در اختیار دارید.^۵»
- اگر اینان ندای هل من ناصر حسین را بی جواب گذاشتند، عجیب نیست پنجاه سال قبل هم پدران اینان وقتی حسنین را می دیدند که دست در دست علی به همراه مادرشان فاطمه برای یاری خواهی و تجدید بیعت به در خانه شان آمده اند، به علی و خاندانش پاسخی ندادند. چرا باید سوزاندن خیمه دختران فاطمه برای این گروه سخت مگر نه اینکه خانه فاطمه را با وجود فاطمه و علی و حسنین می خواستند به آتش بکشند؟^۶
- عجیب است که مرحوم استاد شهیدی که خود کتابی مستقل درباره تحلیل زندگانی دخت پیامبر صل الله علیه و آله دارد - تاثیر حرمت شکنی فاطمه را در عاشورا در این کتاب و تحلیلشان انعکاس نداده است.

^۴ فدک و العوالی او الحوائط السبعة فی الكتاب و السنه و التاريخ و الادب، محمدباقر الجلالی، موسسه الطیبه لاحیاء التراث، قم، دوم، ۱۳۹۵، ص ۱۷۲

^۵ محمد روحانی علی آبادی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، انتشارات مهام مکان چاپ: تهران سال چاپ: ۱۳۷۹ نوبت چاپ: اول ص ۸۳۲

^۶ شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۲ ، صفحه ۴۷ و الإمامة والسیاسة،

الإمامة و السیاسة المعروف بتاريخ الخلفاء، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتیبة الدینوری (۲۷۶)، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ط الأولى،

۱۹۹۰/۱۴۱۰، ج ۱، ص: ۳۰

۳. کشتارهای بی رحمانه و با مجرد اتهام ارتداد در دوره خلیفه اول که علیرغم نظر سایر صحابه، تمام کسانی را که به هردلیل حاضر به پرداخت زکات به وی نشده بود، کافر دانسته و به شدیدترین وجه سرکوب کرد. در میان این سرکوب شدگان بسیار بودند قبایلی که مسلمان بوده و به حرمت دستور پیامبر در غدیر ابوبکر را شایسته دریافت زکات و خلافت نمی دیدند از جمله بنی حنیفه.

۴. مشروعیت دادن به مجازات های وحشتناک مانند آتش زدن که از مواردی است که ابوبکر به آن اقدام کرد و در آخر عمر از آن اظهار پشیمانی می کرد، (ابن) فجائه سلمی فردی بود که با سوء استفاده از اعتماد ابوبکر تدارکات و هزینه ای که او برای تشکیل سپاهی علیه مرتدان به فجائه داده بود، به نفع خود استفاده و ضد حکومت ابوبکر بکار گرفت و پس از مدتی ابوبکر به وی دست یافت و فرمان داد تاوی را زنده زنده در بقیع بسوزانند.^۷ همینطور کشتن رئیس خزرجیان سعد بن عباده که حاضر به بیعت با ابوبکر نشده و به شام رفته بود. شکنجه و کتک زدن در سیره عمر گسترش بسیار یافت به گونه ای که حتی صحابه نیز از بیم شلاق دوسر او «دره عمر» جرات بیان حدیث نداشتند.^۸ عمر، ضمن نگهداشتن صحابی سرشناس و بزرگ پیامبر در مدینه صحابیانی اعزامی برای تبلیغ اسلام را نیز به بسنده کردن به تلاوت قرآن و ترک نقل حدیث پیامبر سفارش کرد^۹ از سوی دیگر افراد بی گناه بسیاری را کتک می زد و خشونت از حد می گذراند چنانکه صبیغ بن عسل را به جرم پرسش از تفسیر سوره ای از قرآن آنچنان زد که سر و صورتش خونین شد و فریاد زد^{۱۰} او عبدالرحمن پسرش را به جرم شرابخواری علاوه بر هشتاد ضربه حد شرعی آنچنان زد که بیمار شد و از دنیا رفت^{۱۱} این سیاست در دوران عثمان نیز تشدید شد، چرا که وی عمار یاسر را آنچنان زد که فتق گرفت و عبدالله بن مسعود و عبدالرحمن بن عوف را آزار بسیار دارد و ابوذر غفاری یار خاص پیامبر را به جرم نهی از منکر ابتدا به شام و سپس به ریزه تبعید کرد.^{۱۲} از طرفی مصریانی که به شکایت از حاکم اموی مصر نزد وی آمده بودند، فرمانی پنهان شده در مشک قاصد خاص او یافتند که دستور اعدام و قطع دست و پای آنان را می داد و مهر عثمان داشت، هرچند عثمان آن را انکار کرد.^{۱۳}

^۷ . تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص: ۱۳۴

^۸ . أنساب الأشراف، ج ۱۰، ص: ۳۵۶

^۹ . حسینی جلالی ۱۴۱۳، ۲۷۰

^{۱۰} . الآجری، بی تا، ج ۱، ص ۴۸۳

^{۱۱} . الاستیعاب، ج ۲، ص: ۸۴۲

^{۱۲} . أنساب الأشراف، ج ۵، ص: ۵۴۳

^{۱۳} . الإمامة والسیاسة، ج ۱، ص: ۵۶

این رفتارهای خشن که بسیاری از آنها بدون سابقه در اسلام رخداد، خود می تواند نسخه پیشین جنایاتی تلقی شود که مدعیان مکتب خلافت بعدها بر سر اهل بیت پیامبر اکرم در کربلا و نقاط دیگر آوردند.

۵. آغاز بدعت گذاری در شریعت با جعل حدیث مخالف قرآن «نحن معاشر الانبياء لا نورث ماتركناه صدقة» چنانکه فاطمه زهرا به صراحت به آن اشاره کرد. بدعت گذاری های آشکار در دوران عمر گسترش بیشتری یافت، او به صراحت نماز جماعت نافله در ماه رمضان را که بعدها (صلاة تراویح خوانده و مورد تأکید اهل سنت است)، نیکو بدعت و اختراعی از خود دانست و این بدعت آنچنان در جامعه جاافتاد که به دنبال مخالفت امام علی با آن در دوران خلافت خود، با اعتراض مردم که نگران تعطیل سنت عمر بودند، مواجه شده و نسبت به آن سکوت اختیار کرد.^{۱۴} بدعت دیگری که عمر به صراحت نظر خود را بر خلاف نظر رسول خدا (ص) اعلام می کند، تحریم متعه و ازدواج موقت در حالی است که رسول خدا آن را حلال دانسته بود و اصحاب به آن عمل می کردند.^{۱۵} امام علی در تقد اینکار عمر فرموده بود اگر نهی عمر نبود جز انسان های شقی، کسی به خاطر فشار غریزی گرفتار فحشا نمی شد.^{۱۶}

۶. بی اعتنایی به اجرای حدود در مورد افراد ذی نفوذ مانند اجرای حد درباره خالد بن ولید که برخلاف دستورات قرآن مالک بن نویره را کشت و همان شب بدون گذراندن عده و استبراء با همسرش آمیزش کرد، این رسوایی خالد آنچنان هویدا بود که عمر بن خطاب قسم خورد که او را سنگسار می کند^{۱۷} ولی با مقاومت خلیفه اول مواجه شد اما تا آخر با خالد بن ولید بد دل ماند. همین مساله در مورد اجرای حد زنا درباره مغیره بن شعبه حاکم بصره در زمان عمر رخداد که با وجود چهار شاهد که بر فحشای آشکارش گواهی دادند، به بهانه ابهام آخرین بیان آخرین گواه، تمام گواهان را حد زد و حد زنا را از روی مغیره بن شعبه که به زناکارترین عرب معروف بود، برداشت و با تکرار سخن گواهان قصد تکرار حد قذف بر آنان داشت که امام علی در مقابل ایستاد و سوگند خورد اگر بخواهی بر آنها دوباره حد جاری کنی مغیره را به خاطر زنا سنگسار خواهم کرد.^{۱۸} در دوره عثمان نیز این مساله تکرار شد، چراکه

^{۱۴} . الاستغاثة فی بدع الثلاثة، ص: ۷۰

^{۱۵} . نقض معروف به بعض منال النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، ص: ۵۵۴

^{۱۶} . معالم المدرستین، ج ۲، ص: ۲۶۳

^{۱۷} . شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ج ۱، ص: ۱۷۹

^{۱۸} . أنساب الأشراف، ج ۱، ص: ۴۹۱

او جندب بن کعب و بزرگان دیگر کوفه را با تهدید به پس گرفتن شهادتشان نسبت به شرابخواری ولید بن عقبه (برادر مادریش) خواند ولی وقتی خبر به عایشه رسید و او علنا عثمان را به تعطیل حدود متهم کرد مجبور شد از موضع خود عقب نشینی کند.^{۱۹}

۷. نفی مرجعیت علمی اهل بیت برای راهبری فکری و فقهی جامعه اسلامی: هرچند مرحوم شهیدی به اعتقادات وارداتی که می توانست در این عکس العمل امت اسلامی نسبت به واقعه کربلا مؤثر باشد اشاره ای داشته اند. اعتقاداتی مانند ارجا و جبرگرایی. ولی آنچه مقصود بنده در این قسمت است چیزی بسیار فراتر از این اعتقادات است هر چند شامل آن نیز می شود و نمی توان نقش جبر گرایی را در وقوع حادثه عاشورا انکار کرد.

می دانیم که یکی از وظایف مهم پیامبران و به خصوص پیامبر اسلام تبیین و تعلیم آموزه های مختلف شریعت است. آموزه هایی که علاوه بر اثر فرامادی و ملکوتی خود اثرات معنوی و روحی و اقتصادی و اجتماعی فراوانی را هم بر فرد مسلمان و بر جامعه اسلامی خواهد گذاشت. که البته این آثار اجتماعی در ساحت عباداتی مانند نماز جماعت و جمعه - که بسیار مورد تاکید قرآن کریم اند - و حج و عمره نمودار است .

پس از پیامبر اسلام این مسئولیت به امام معصوم منتقل می شود که جانشین پیامبر صل الله علیه و آله در تفسیر و تعلیم شریعت و پاسخگویی به سئوال ها و نیاز های جدید جامعه است ما این بعد از امامت را به وضوح در سیره امیر مؤمنان و فرزندان معصومش در طول تاریخ می یابیم .

با توجه به این آثار مختلف احکام فرعی و عقاید اسلامی که در حقیقت محور اصلی دین را تشکیل می دهند می توان به خوبی تصور کرد که اگر مسند تدریس و تبیین رسمی دین را از معلمان واقعی آن گرفتیم، چه رخ خواهد داد و باید چه کسانی را جایگزین معلمان واقعی بنماییم و از آنان توقع بیان و ارایه چه مطلبی را داشته باشیم .

تاریخ برایمان از گروه های مختلفی یاد می کند که توسط دستگاه خلافت جانشین اهل بیت برای مردم شدند:

۱. امرا و حاکمان : می بینیم عمر وقتی می بیند غیر امیری فتوا می دهد، اعتراض کنان می گوید: «چگونه برای مردم فتوا می دهی در حالیکه امیر نیستی؟» و ابن عمر وقتی کسی درباره فتوا از او پرسید می گوید: « برو نزد این امیری که مسئولیت مردم را به عهده گرفته و بار فتوا را بر دوش او بگذار.»^{۲۰}

^{۱۹} . أنساب الأشراف، ج ۵، ص: ۵۲۲

^{۲۰} جعفر مرتضی العاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، دار الہادی- دار السیرة - بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۱۵، ج ۱ ص ۷۹

۲. عایشه از میان همسران رسول خدا که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله هم مورد توجه شدید خلفا در میان ازواج پیامبر بود می بینیم که در خلافت پدرش و عمر و عثمان منبع فتواست و عمر و عثمان از او درباره سنن و احکام می پرسیدند. در حالیکه همسران دیگر پیامبر صل الله علیه و آله مانند ام سلمه یا صفیه این چنین مورد توجه نبودند و به اندازه عایشه از درآمدهای بیت المال بهره مند نمی شدند. کار به جایی رسید که عایشه را داناترین صحابه و کسی که عامه نیمی از دینشان را از او گرفته اند می دانند.

۳. انتقال دهندگان اخبار تورات و اسرائیلیات به فرهنگ اسلامی: کعب الاحبار روحانی یهودی که در زمان عمر مسلمان شد و پس از آن از مشاوران خاص عمر و عثمان محسوب شد تاجاییکه عثمان طبق نظر و آراء او با ابوذر غفاری صحابی بزرگ پیامبر محاجه می کرد و تکاثر و ثروت اندوزی های بی محابای خود را با فتوای کعب توجیه می نمود.^{۲۱} ریشه بسیاری از عقاید انحرافی تشبیه گرایسی و نسبت گناه و معصیت به پیامبران الهی و همینطور روایات جعلی ابوهریره از کعب است چراکه کعب سمت استادی را در این زمینه برای ابوهریره داشت و هر دو از یک منطقه بودند و باهم مأنوس.^{۲۲} توجه و رغبت عمر را در زمان حیات پیامبر اسلام به داستان های کتب مقدس را می بینیم که با عکس العمل بسیار شدید ایشان روبرو شد.^{۲۳}

۴. عالمان مزدور و دروغگو: نمونه روشن این افراد سمره بن جندب بود. او حاکم بصره طرف زیاد - فرماندار معاویه بر عراق - بود. هر چند در زمان پیامبر صل الله علیه و آله سابقه درخشانی ندارد اما در این زمان با پذیرفتن هدایای ملوکانه معاویه حاضر می شود آیه ای را که درباره علی علیه السلام نازل شده بگوید درباره دشمن اش نازل شده است.^{۲۴}

۵. قصاصان و داستان سرایان و شاعران: داستان سرایانی که تنها کاربردشان همان کاربرد زمان جاهلیت بود که زمانی برای جلوگیری از شنیدن آیات قرآن اجیر شده بودند و زمانی برای به غفلت انداختن مردم از شنیدن سنت و تفسیر آن.^{۲۵} دستگاه خلافت برای جبران خلای که بخاطر منع انتشار سنت نبوی متوجه جامعه اسلامی شده بود، با تاکید وافر به نشر شعر سفارش می کرد: تاجاییکه به نوشتن شعر و

^{۲۱} سیر أعلام النبلاء، ج ۳ / ص ۴۸۹ و أنساب الأشراف، ج ۱۰ ص ۴۲۹ و تاریخ الطبری، ج ۴ ص ۱۹۲

^{۲۲} البداية والنهاية ج 1 ص : 15 و شيخ المضيرة أبو هريرة - محمود أبو رية - ص ۸۹ - ۹۴

^{۲۳} تدوين السنة الشريفة - السيد محمد رضا الجلالی ص 342

^{۲۴} شرح نهج البلاغة ج : 4 ص : 73، تاریخ الطبری، ج 5 ص 292:

^{۲۵} الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج ۱، ص ۱۳۲:

حفظ کردن آن فرمان داد و انصار کتاب شعری را تدوین کرده بودند که هر از گاهی آن را استنساخ می کردند. این امر تا بدانجا رسید که عمر مکانی را در مسجد نبوی مشخص کرد که «بطیحاء» نامیده می شد تا در آن هرکس که می خواهد شعری بگوید یا صدایش را بلند کند، بایستد. در همین راستا او طی نامه ای به مغیره بن شعبه از او خواست تا شعرا را جمع کند و اشعار آنان را تدوین کرده و بنویسد. درباره شعر تأکیدهای عایشه نیز بسیار است.^{۲۶}

نادیده گرفتن تزویر شورای عمر

• مؤلف محترم کتاب شورای عمر را نمونه ای از مراجعه به آراء عمومی تلقی کرده بود و ظاهراً آن را پذیرفته در حالیکه تأمل در گزارش های مختلف تبیین کننده شورا به روشنی آن را یک ژست دموکراتیک و رفتاری تصنعی و ظاهر فریب دانست که نتیجه آن تنها فریب عوام برای به خلافت رسیدن فردی است که از پیش مشخص بوده است. اصولاً برخی صاحب نظران شورا را یکی از عوامل مهم بروز اختلاف در امت اسلامی دانسته اند.^{۲۷} عمر کار را بر عهده شش تن گذاشت و در مورد هیچ کدام نص صریحی نکرد و نه تنها در مورد ایشان که در مورد کس دیگری هم تصریح نکرد. بدین سبب در دل هر یک از آن شش تن چنین تصویری پیش آمد که شایسته خلافت و سزاوار پادشاهی و سلطنت است و همواره این موضوع در دل و ذهن ایشان وجود داشت و نفس آنان هوای آن را می داشت و چشمهایشان به سوی آن دوخته بود و نقش خلافت در خیال ایشان جای داشت و این خود از مایه های دلتنگی و کدورت میان علی و عثمان بود. سرانجام، کار به کشتن عثمان منجر شد و طلحه بیشترین نقش را در کشتن عثمان بر عهده داشت و او به دلایل متعددی تردید نداشت که حکومت پس از عثمان از او خواهد بود، از آن جمله: پیشگامی او در گرویدن به اسلام، دیگر آنکه پسر عموی ابو بکر بود و ابو بکر در دل مردم آن روزگار منزلتی بزرگتر از منزلت کنونی داشت، دیگر آنکه بخشنده و دست و دل باز بود، طلحه به روزگار زنده بودن ابو بکر در مورد جانشینی با عمر، ستیز می کرد و دوست می داشت ابو بکر خلافت را پس از خود به او واگذار کند. او هر صبح و شام در مورد عثمان، سرگرم فریبکاری و فتنه انگیزی بود، دلها را از او می رمانید و نفسها را بر او تیره و تار می کرد و مردم مدینه و اعراب بادیه نشین و مردم دیگر شهرها را بر او می شورانید و در این کار زیبر هم او را یاری می داد که او هم برای خویشتن امید خلافت داشت و امید آن دو برای رسیدن به خلافت

^{۲۶}الصحيح من السيرة ج ۱، ص ۹۲

^{۲۷} موسوعه سيره اهل البيت الجزء الثالث الامام علي بن ابي طالب، باقر شريف القرشي، ج ۳، دارالمعروف، اول، ۱۴۳۰ ق، ص ۴۵۸؛

جلوه تاريخ در شرح نهج البلاغه ابن ابي الحديد، ج ۴، صفحه ۲۵۷

نه تنها کمتر از امید علی نبود بلکه نیرومندتر هم بود چرا که علی علیه السلام را دو خلیفه نخستین فرو کوبیده و ساقط کرده بودند و حرمتش را میان مردم شکسته بودند و به فراموشی سپرده شده بود و بیشتر کسانی که ویژگیها و فضیلتهای او را به روزگار پیامبر می‌شناختند مرده بودند و قومی روی کار آمده بودند که او را نمی‌شناختند و فقط او را مردی همتراز با دیگر مسلمانان می‌دانستند و از آن همه فضایل که به او برمی‌گشت در نظر عامه مردم فقط همین باقی مانده بود که پسر عموی رسول خدا و شوهر دخترش و پدر دو نوه اوست و دیگر چیزها به فراموشی سپرده شده بود، وانگهی قریش چنان کینه او را در دل داشتند و چنان از او منحرف بودند که نسبت به هیچ کس چنان نبودند و قریش به اندازه همین کینه و دشمنی که نسبت به علی داشتند نسبت به طلحه و زبیر محبت می‌ورزیدند زیرا مقدمات و اسباب آن کینه در آن دو فراهم نبود و آن دو در اواخر روزگار عثمان از قریش دلجویی می‌کردند و به آنان وعده بخشش می‌دادند و طلحه و زبیر در نظر خود و در نظر مردم، اگر چه بالفعل خلیفه نبودند ولی بالقوه خلیفه شمرده می‌شدند زیرا عمر تصریح کرده بود که آن دو از اعضای شورا باشند و هر دو را برای خلافت پسندیده بود و عمر چنان بود که در زندگی و پس از مرگ از گفتارش پیروی می‌شد و رفتارش مورد پسند و موفق و مؤید و مطاع بود و فرمانش اجرا می‌شد. چون عثمان کشته شد طلحه با حرص بسیار آهنگ خلافت کرد و اگر مالک اشتر و گروهی از شجاعان عرب که با او همراهی می‌کردند نبودند و خلافت را برای علی قرار نمی‌دادند هرگز علی علیه السلام به خلافت نمی‌رسید...»^{۲۸}

علی خود در خطبه ششش در باره شورای شش نفره ای که عمر برای خلافت پس از خود تعیین کرد، می‌فرماید: «پناه بر خدا از این شورا»، سپس به نخستین نقطه ضعف این شورا پرداخته، می‌فرماید: «کدام زمان بود که در مقایسه من با نخستین آنها - یعنی ابو بکر - (و برتری من بر او) شک و تردید وجود داشته باشد تا چه رسد به این که مرا همسنگ امثال اینها (اعضای شورا) قرار دهند»، با این تأسف اشاره به این حقیقت می‌کند که اگر می‌خواستند شایستگی برای خلافت را ملحوظ دارند، جای تردید نبود که آن حضرت را می‌بایست تعیین می‌کردند، ولی افسوس که هدفهای دیگری در این مسأله دنبال می‌شد. سپس می‌افزاید: «ولی (من به خاطر مصالح اسلام با آنها هماهنگی کردم) هنگامی که پایین آمدند پایین آمدم و هنگامی که پرواز کردند پرواز کردم» کنایه از اینکه با شرایط و اظهار نظرهای مختلف آنان کنار آمده و همکاری کرده است تا از هر گونه تفرقه پرهیز شود و دشمنانی که در کمین نشسته بودند سر بر آورند و اساس اسلام را به خطر بیندازند. سپس به قابل پیش بینی بودن نتیجه این شورا و کارهای مرموزی که در آن انجام گرفت اشاره کرده می‌فرماید: «یکی از اعضای

^{۲۸} جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۲۵۷

شورا به خاطر کینه‌اش از من روی برتافت و دیگری خویشاوندی را بر حقیقت مقدم داشت و به خاطر دامادیش تمایل به دیگری (عثمان) پیدا کرد، علاوه بر جهات دیگری که ذکر آن خوشایند نیست»^{۲۹} در این سخن گویا به «سعد بن ابی وقاص» اشاره می‌کند که مادرش از بنی امیه بود و نزدیکان مادرش در جنگهای اسلام، به دست علی (ع) کشته شده بودند، به همین دلیل او در زمان خلافت علی (ع) نیز با حضرتش بیعت نکرد و کینه‌توزی او نسبت به علی (ع) مسلم بود و به همین دلیل در آن شورا به علی (ع) رأی نداد و به وسیله محول کردن رأی خود به «عبد الرحمن بن عوف»، به عثمان رأی داد و کسی که به خاطر دامادیش متمایل شد «عبد الرحمن بن عوف» بود زیرا «عبد الرحمن» شوهر «ام کلثوم» خواهر «عثمان بود». در آخر به اموری ناخوشایند اشاره کرد که می‌تواند به توقعات «عبد الرحمن بن عوف» در رأی دادن به «عثمان» مانند سوء استفاده‌های مالی از بیت المال مسلمین و یا... باشد.^{۳۰}

بی توجهی به ابعاد فرا تاریخی واقعه عاشورا

با وجود درستی همه تحلیلاتی که عدالت خواهی و اصلاح امر به معروف و احیای دین را از اهداف امام حسین (ع) در قیام خود می‌داند، نباید به بعد فرا تاریخی و معنوی عاشورا در جهان غفلت کرد. انبوه روایات و رفتارهای معصومان همه نشانگر توجهی ویژه و فراتر از یک نهضت اجتماعی و عدالتخواهانه صرف به کربلاست، گریه پیامبر اکرم (ص)، مقام شفاعت امام حسین، عنصر انتقام در نهضت حسینی، پیوند نهضت امام حسین با مهدویت همه و همه نشانگر سرمایه گذاری بسیار عظیم تری در عاشورا است که با صرف تحلیل های مادی قابل تفسیر نیست، از سوی دیگر همه رفتارهای امام نیز جز با این توجیه معنا نمی‌یابد. هرچند این نگاه انکار کننده توجه امام به اسباب ظاهری و تلاش برای رسیدن به اصلاح و عدالت اجتماعی نیست. شهیدی با ارایه این توجیه که امام چون دعوت کوفیان را شنیده و پیام تایید آمیز مسلم را دیده بود، به اقتضای مسئولیت باید قیام می‌کرد تا بهانه ای به مردمان جویای حق ندهد که ما خواستیم ولی شما نیامدید. اینکه امام با وجود باخبر شدن از ناکامی مسلم به راه ادامه داد، یا از هر فرصتی به اتمام حجت و تحریک عواطف انسانی خصم، بهره گرفت، اینکه با وجود تهدید های بسیار تمام خاندانش را خود آورد. اینکه در یک سو از کسانی چون عبیدالله بن حر جعفی و زهیر و عمر سعد یاری خواست و در رفتاری دیگر در شب عاشورا آن اندک یاران برجای مانده را نیز به رفتن و ترک اردوگاه کوچک خود فراخواند، همه و همه نشان از وجود فلسفه ای

^{۲۹} . علل الشرائع، ج ۱، ص: ۱۵۱؛ معانی الأخبار، ص: ۳۶۱؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص: ۲۸۸

^{۳۰} ناصر مکارم شیرازی؛ پیام امام شرح تاز موحامعی پرنهج البلاغه، دار الکتب الاسلامیه تهران اول ۱۳۷۵، ج ۱، ص

خاص و فراتر از تحلیل های این جهانی و خاکی و کوتاه مدت است که البته مجالی بسیار بیشتر برای شرح می طلبد و نباید از آن غفلت کرد.

نتیجه گیری

در پایان اغراق نیست اگر بگویم در میان کتاب هایی که درباره نهضت حسینی دیده ام کتابی که بتواند این چند خصلت را باهم در خود داشته باشد کمتر کتابی را مانند این کتاب یافته ام .

تحلیل متقن و ریشه یابی عمیق و چند بعدی ، روانی و شیوایی و بدیع بودن نگارش، موجز و مختصر بودن و دوری از تکرار ها و حوادث شناخته شده قیام کربلا.

لذا به همه آنها که این کتاب را نخوانده اند خواندن آن را وبه آنها که آن را مطالعه کرده اند ، بازخوانی اش را توصیه می کنم.

منابع

- ابن الفقیه، احمد بن محمد بن اسحاق الهمدانی: البلدان (ابن الفقیه)؛ عالم الکتب؛ بیروت؛ ۱۴۱۶ ق؛ اول
- ابن حجر أبو الفضل أحمد بن علی العسقلانی الشافعی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بی جا، دار المعرفه، بیروت، ۱۳۷۹
- ابن سعد، الطبقات الكبرى ناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۸ نوبت چاپ: دوم
- أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کنیر الدمشقی (م ۷۷۴)، البدایة و النهایة، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ / ۱۹۸۶.
- ابو الفرج اصفهانی؛ الأغانی؛ دار احیاء تراث عربی؛ بیروت؛ ۱۴۱۵ ه ق؛ اول
- ابو القاسم کوفی، الاستغاثة فی بدع الثلاثة - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۳ ش.
- أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتیبة الدینوری (۲۷۶)، لإمامة و السیاسة المعروف بتاريخ الخلفاء تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ط الأولى،
- ابو منصور احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، یک جلد، نشر مرتضی مشهد مقدس، ۱۴۰۳ هجری قمری
- احمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح الکاتب العباسی المعروف بال یعقوبی (م بعد ۲۹۲)، تاریخ الیعقوبی، بیروت ، دار صادر بی تا.
- أحمد بن یحیی بن جابر البلاذری (م ۲۷۹)، کتاب جمل من انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ط الأولى، ۱۴۱۷/۱۹۹۶
- احمد بن حنبل شیبانی، مسند، سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق.
- امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری، یک جلد، دار الکتب الإسلامیة تهران
- الآجرى أبوبکر محمد بن الحسن، الشریعة، المحقق : عبد الله بن عمر بن سلیمان الدمیجی، بی جا، دار النشر : دار الوطن، الرياض بی تا
- آیت الله سید مرتضی عسکری، معالم المدرستین مؤسسه البعثة، - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۱۲ ق.

- البخاری محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، به کوشش بن باز، اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
 - تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰)، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران، اساطیر، ج پنجم، ۱۳۷۵ش
 - الترمذی محمد بن عیسی بن سوره بن موسی بن الضحاک، سنن الترمذی، تحقیق و تصحیح: عبد الرحمن محمد عثمان، الثانية، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت - لبنان، ۱۴۰۳.
 - جعفر مرتضی العاملی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، دار الهادی - دار السیره - بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۱۵.
 - حسین عبدالمحمدی، زمینه های قیام امام حسین علیه السلام، زمزم هدایت، چاپ سوم، ۱۳۸۳. قم
 - الحسینی الجلالی، السید محمد رضا، تدوین السنه الشریفه، چاپ اول، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق. ابن عساکر، ابو القاسم علی بن حسن بن هبة الله شافعی دمشقی (۴۹۹ - ۵۷۱ ق) تاریخ مدینه دمشق: دار الفکر: بیروت ۱۴۱۵ ه
- ق
- الذهبی شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد، سیر أعلام النبلاء، مجموعة محققين بإشراف شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة، بی تا
 - شیخ المضیره أبو هریره | محمود أبو ریه | منشورات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - بیروت - لبنان
 - شیخ مفید، الإرشاد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، ۱۴۱۳ هجری قمری
 - عبد الجلیل قزوینی رازی، نقض معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض - تهران، ۱۳۵۸ ش. انتشارات انجمن آثار ملی
 - الفارات، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد تقفی کوفی (م ۲۸۳)، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳ش.
 - فذک و العوالی او الحوائط السبعه فی الكتاب و السنه و التاريخ و الادب، محمد باقر الجلالی، موسسه الطیبه لاحیاء التراث، قم، دوم، ۱۳۹۵
 - محمد روحانی علی آبادی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی) ناشر: انتشارات مهام مکان چاپ: تهران سال چاپ: ۱۳۷۹ نوبت چاپ: اول
 - محمود، مهدوی دامغانی، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید؛ نشر نی ۱۳۷۵؛ تهران
 - موسوعه سیره اهل البيت الجزء الثالث الامام علی بن ابی طالب، باقر شریف القرشی، ج ۳، دار المعرف، اول، ۱۴۳۰ق
 - ناصر مکارم شیرازی؛ پیام امام شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه، دار الکتب الاسلامیه تهران اول ۱۳۷۵
 - نیشابوری مسلم بن حجاج، الجامع الصحیح، به کوشش محمد سالم هاشم، اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.